

اعتبارسنجی عبارت "انا اصغر من ربی بستین" از حیث سند - محمدمهدی مودتی

فصلنامه تخصصی مطالعات قرآن و حدیث سفینه

سال شانزدهم، شماره ۶۲ «ویژه قرآن و حدیث: پیوند ناگسستنی»، بهار ۱۳۹۸، ص ۱۶۵-۱۸۱

اعتبارسنجی عبارت "انا اصغر من ربی بستین" از حیث سند

محمدمهدی مودتی*

چکیده: در برخی از منابع، که عمدتاً منابع سنی و صوفی و گاهی منابع شیعی است، جمله «أنا أصغر من ربی بستین» را به رسول خدا ﷺ و گاهی به امیر مؤمنان علیؓ نسبت داده‌اند. نگارنده بیست و پنج منبع برای این گفتار را به ترتیب زمان، از داوود قیصری متوفی ۷۵۱ قمری تا معاصران آورده و آنها را تحلیل و بررسی سندی می‌کند. نتیجه بررسی سندی آن است که هیچ یک از این نقل‌ها سند ندارد، و بیشتر این ناقلان گرایش عرفانی دارند. لذا به لحاظ سندی قابل اطمینان نیست.

کلیدواژه‌ها: انا اصغر من ربی بستین، جمله منسوب به پیامبر - بررسی سندی؛ کتابهای عرفانی - احادیث منسوب؛ قیصری، داوود؛ احادیث مشهور - اعتبارسنجی.

در سیر بررسی تاریخ اسلام، می‌بینیم که محبت و مودت خاندان عصمت و طهارت سلام الله علیهم به اتفاق علمای امت از جمله سفارشات صریح و موکد کلام الله و سنت نبوی است، اما در جبهه مخالف، ابلیس و شیطان صفتان همواره در مقابل این امر الهی ایستاده و دشمنی خویش را به انحاء مختلف نمایان ساخته‌اند. این دشمنی، ریشه در علل متفاوتی داشته که در این مجال، فرصت پرداختن به یک یک آن‌ها نیست، فی الجمله می‌توان به عواملی هم چون حسادت، طمع، قدرت طلبی و کینه توزی اشاره نمود. حاصل این تکاپوی خصمانه علیه اهل بیت (علیهم‌السلام)، فعالیت‌های متعددی است که برگ برگ تاریخ اسلامی، گزارش‌گر آن است. این پدیده، گاه در آشکارترین جلوه خویش به شکل جنگ و قتال با آل رسول (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) رخ می‌نمود که مصائب بزرگی چون واقعه کربلا را رقم زد. گاه نیز به جای مبارزه مسلحانه با راهکارهای به ظاهر مسالمت‌آمیزتری هم چون حصر خانگی، تبعید و محدودیت‌های اجتماعی دیگر، این عداوت ابراز می‌گشت. اما در زیرکانه‌ترین شکل ممکن، خصومت اینان با ائمه معصومین صلوات الله علیهم در بستر علم و ملحقات آن، پدیدار می‌شد. این نوع از دشمنی را می‌توان به سه دسته مجزاً تقسیم نمود. ساده‌ترین و از جهتی نابخردانه‌ترین شکل عداوت در این بستر، بیان مطاعن و جسارت به این سلاله طاهرین بود که به سبب جایگاه بی‌بدیل ایشان در نزد همه امت اسلامی و به علت همان تأکیدی که در مطلع سخن بدان اشاره شد، معمولاً بیشتر سبب روسیاهی و بی‌اعتباری‌گوینده می‌گشت. به عنوان مثال یکی از مشهورترین مسائل مطرح در جامعه اسلامی بر مبنای احادیث نبوی، ارتباط وجود کینه و دشمنی نسبت به امیرالمومنین صلوات الله علیه در دل فردی، با ناپاک زادگی او بود؛ به همین خاطر، حتی کسانی که در طول تاریخ سردمدار دشمنی با این خاندان محسوب می‌شدند، در ظاهر امر سعی داشتند این ننگ را از دامان خویش بزدايند و لذا به طرق مختلف ادعای محبت به اهل بیت (علیهم‌السلام) را در قالب نظم و نثر مطرح می‌نمودند؛ در نتیجه از آن جهت که این گونه ابراز دشمنی، آسیب و عوارض بسیاری برای قائلان به آن داشت، کمتر کسی آشکارا خود

دسته دیگر که از بیان مطاعن نسبت به حضرات آل الله صلوات الله علیهم پرهیز کرده و نسبت به مفاصد آن برای خویش آگاه‌تر بودند، راه دیگری برای این مبارزهٔ خصمانه بر گزیدند؛ اینان با استفاده از زر و زور، تمام همّت خویش را صرف فضیلت‌سازی برای دشمنان اهل بیت علیهم‌السلام به ویژه خلف ناصالح و متقدّم این خصومت نمودند. هدف این گروه، انکار انحصار شئون و مقامات والا در ائمهٔ اطهار صلوات الله علیهم بود به طوری که به عنوان مثال، در دورهٔ سلطنت بنی‌امیه لعنهم الله، هزینهٔ زیادی صرف جعل حدیث در جهت فضیلت تراشی در قالبی تقلیدی و مشابه فضایل ذریّهٔ رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وآل‌ه‌وسلم‌وآل‌ه‌وسلم‌وآل‌ه‌وسلم، برای دشمنان ایشان شد. اگرچه این نقشه، بیش از عملکرد دستهٔ پیشین موثر واقع شد و تقدّس‌سازی‌ای هرچند پوشالین برای تنی چند از دشمنان خدا در میان عوام عامّه ایجاد نمود؛ اما آن قدر مطاعن از این افراد در طول تاریخ ثبت و ضبط شده بود که در بسیاری از موارد، اعتراف خود علمای عامّه به دروغین بودن این فضیلت‌های ساختگی را در پی داشت.

اما هوشمندانه‌ترین نوع این فعالیت، مربوط به دستهٔ سومی بود که نه قصد داشتند دامان خویش را به اتهام نصب، آلوده یابند و نه راهکار جعل حدیث و داستان سازی‌های افسانه‌ای را برای ناهلان مَثمر ثمر می‌دانستند. راهکاری که این عده برای ابراز دشمنی با معصومین (علیهم‌السلام) در پیش گرفتند، آن‌قدر زیرکانه و حيله‌گرانه بود که در طول تاریخ، حتی برخی از اهل دقت و پژوهش از امامیه نیز در دام این مکر گرفتار گشته و در تمییز آن ناموفق بوده‌اند. شاید بهترین تعبیری که می‌توان از این دسته داشت، گرگانی در پوستین میش است، آنان به خوبی می‌دانستند، موثرترین و ناملموس‌ترین روش در ابراز دشمنی خویش که در ظاهر امر نیز هیچ آسیبی برایشان نداشت، راهکاری بود که ایشان را در عداد دوست‌داران اهل بیت (علیهم‌السلام) قرار می‌داد و در عین حال اثر تخریبی خود را هم داشت! با بررسی موشکافانهٔ متون روایی و تاریخی آشکار می‌گردد که یک حرکت بسیار خبیث و مرموز در جریان بیان فضائل برای خاندان رسالت (علیهم‌السلام) انجام گرفته که در واقع با سوء

استفاده از فطرت پاک و مستعد پیروان ائمه علیهم السلام، تلاش شده با ممزوج ساختن اندکی سم در میان طعمای خوش طعم، آنان را بفریب و این حيله تا جایی کارساز شد که آثار آنان تا به امروز در میان جامعه شیعی مطرح است! به نظر می‌رسد این عده به این نتیجه رسیدند که به سبب اهمیت جایگاه معصومین سلام الله علیهم و فراوانی فضائل و مناقب ایشان، از طریق این بستر، امکان ضربه زدن به باورهای راستین نسبت به شئونات برجسته و یگانه حضرات و محقق کردن اهداف خصمانه شان، سهل الوصول تر است و لذا به ایجاد داستان‌هایی ساختگی در قالب فضیلت برای این ذوات مقدسه پرداختند که با زیرکی خاصی در باطن امر، (۱) یا شانی از شئون ایشان را مورد حمله و تنقیص قرار داده (۲) یا مقامی از مقامات شان را انکار می‌نمود (۳) یا مخالف امر صریح ایشان در پرهیز از غلو، به افراطی‌گری در نقل فضیلت دست می‌زد. این جعل و دس‌خائنانه آن‌قدر به خوبی در میان ظاهر زیبای داستانی دروغین اما فریبنده پنهان می‌گشت که حتی گاهی برخی اهل علم از شیعه را نیز فریفته خویش ساخته و نهایتاً ایشان نادانسته، به نقل این افسانه‌ها بر فراز منبر یا در آثار مکتوب خویش پرداخته‌اند.

«عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ أَبِي مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ مُوسَى الرِّضَا عَنْ أَبِيهِ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ عَنْ أَبِيهِ جَعْفَرٍ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ مُحَمَّدٍ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ أَبِيهِ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ أَبِيهِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: يَا عَلِيُّ أَنْتَ الْمَظْلُومُ مِنْ بَعْدِي فَوَيْلٌ لِمَنْ ظَلَمَكَ وَاعْتَدَى عَلَيْكَ وَطُوبَى لِمَنْ تَبِعَكَ وَ لَمْ يَحْتَزِرْ عَلَيْكَ ... قَالَ إِبْرَاهِيمُ بْنُ أَبِي مُحَمَّدٍ فَقُلْتُ لِلرِّضَا يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ إِنَّ عِنْدَنَا أَخْبَارًا فِي فَضَائِلِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ وَفَضْلِكُمْ أَهْلَ الْبَيْتِ وَهِيَ مِنْ رِوَايَةِ مُخَالِفِكُمْ وَ لَا نَعْرِفُ مِثْلَهَا عِنْدَكُمْ أَفَنَدِينُ بِهَا فَقَالَ يَا ابْنَ أَبِي مُحَمَّدٍ لَقَدْ أَخْبَرَنِي أَبِي عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَدِّهِ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ قَالَ مَنْ أَصْعَى إِلَى نَاطِقٍ فَقَدْ عَبْدَهُ فَإِنْ كَانَ النَّاطِقُ عَنِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ فَقَدْ عَبْدَ اللَّهَ وَ إِنْ كَانَ النَّاطِقُ عَنْ إِبْلِيسَ فَقَدْ عَبْدَ إِبْلِيسَ ثُمَّ قَالَ الرِّضَا يَا ابْنَ أَبِي مُحَمَّدٍ إِنَّ مُخَالِفِينَا وَضَعُوا أَخْبَارًا فِي فَضَائِلِنَا وَجَعَلُوهَا عَلَى ثَلَاثَةِ أَقْسَامٍ أَحَدُهَا الْعُلُوُّ وَثَانِيهَا التَّقْصِيرُ فِي أَمْرِنَا وَثَالِثُهَا التَّصْرِيحُ بِمُتَالِبِ أَغْدَانِنَا فَإِذَا سَمِعَ النَّاسُ الْعُلُوَّ فِينَا كَفَرُوا شِيعَتَنَا وَنَسَبُوهُمْ إِلَى الْقَوْلِ بِرُبُوبِيَّتِنَا وَإِذَا سَمِعُوا التَّقْصِيرَ اعْتَفَدُوهُ فِينَا وَإِذَا سَمِعُوا مُتَالِبَ أَغْدَانِنَا بِأَسْمَائِهِمْ تَلَبَّوْنَا بِأَسْمَائِنَا وَ قَدْ قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ وَ لَا تَسْبُوا الَّذِينَ يَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ فَيَسْبُوا اللَّهَ عَدُوًّا بِغَيْرِ عِلْمٍ يَا ابْنَ أَبِي مُحَمَّدٍ إِذَا أَخَذَ النَّاسُ يَمِينًا وَ شِمَالًا فَالْزِمْ

طَرِيقَتَنَا فَإِنَّهُ مَنْ لَرِمَنَا لَرِمَانَهُ وَ مَنْ فَارَقَنَا فَارَقَنَا إِنَّ أَدْنَى مَا يَخْرُجُ بِهِ الرَّجُلُ مِنَ الْإِيمَانِ أَنْ يَقُولَ لِلْحَصَاةِ هَذِهِ نَوَافُهُ ثُمَّ يَدِينُ بِذَلِكَ وَ يَبْرَأُ مَنْ خَالَفَهُ يَا ابْنَ أَبِي مُحَمَّدٍ احْفَظْ مَا حَدَّثْتُكَ بِهِ فَقَدْ جَمَعْتُ لَكَ خَيْرَ الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ» (عیون اخبار الرضا علیه السلام ۳۰۴/۱)

به سبب اهمیت بسیار زیاد آشکارسازی این دسیسه و زدودن این شبهه (یا ضد) فضیلت‌ها از دریای بیکران فضائل اهل بیت سلام الله علیهم، در این مجال قصد آن داریم به صورت مصداقی به بررسی یکی از این موارد پرداخته و نقاب مکر و حيله را از چهره داستان دروغین فضیلت‌گونه برداریم و بر مبنای بررسی سندی، جعلی بودن آن‌ها را ثابت نماییم. بحث در این مقال، جمله‌ای است که به امیرمؤمنان سلام الله علیه نسبت می‌دهند: «انا اصغر من ربی (الله) بستین».

حال به بیان مستندات عبارت مذکور در انتساب به امیرالمؤمنین صلوات الله علیه و توضیحات پیرامون آن می‌پردازیم:

بررسی اسانید:

ابتدا به ترتیب تاریخی، به منابعی که عبارت "أنا أصغر من ربی بستین" را به عنوان حدیث نقل نموده‌اند اشاره کرده و سپس با نقل عین عبارت به بررسی سندی آن‌ها می‌پردازیم...

۱. قیصری (م ۷۵۱ق) - رسائل قیصری:

«عرفا اسم دهر را، که از اسماء الهیه است منشأ ظهور زمان میدانند و این اسم چون از اسماء الهیه و مستند بذات حق است، در فوق زمان نیز دارای مظاهری است که باین اعتبار منشأ ایام یا اعوام و سنوات الهیه است، لذا قال - علیه السلام - انا اصغر من ربی بستین...»^۱

اولاً، قیصری از شارحان مشهور مکتب ابن عربی و از عرفای مشهور زمان خویش است. ثانیاً او این جمله را (علی الظاهر به جهت کاربرد علیه السلام) به امیرالمؤمنین صلوات الله علیه منسوب دانسته اما بدون اشاره به هیچ سندی برای ادعای خویش. نهایتاً

۱. رسائل قیصری نهاية البیان فی درایة الزمان، نوشته‌ی شرف‌الدین داود بن محمود ساوی قیصری، محقق و مصحح: سید جلال الدین آشتیانی، ناشر: مؤسسه‌ی پژوهشی حکمت و فلسفه‌ی ایران، چاپ دوم، سال نشر ۱۳۸۱، صفحه‌ی ۱۳۷.

نکته مهم‌تر این‌که، بررسی سیر تاریخی منابع ناقل این جمله نشان می‌دهد، انتساب این عبارت به یکی از معصومین علیهم‌السلام، نخستین بار در قرن هشتم هجری رخ داده است و بر طبق تفحص، پیش از این در هیچ منبعی چنین نسبتی نقل نشده است.

۲. قاضی سعید قمی (م ۱۱۰۳ ق) - شرح الاربعین:

«الحديث الرابع عشر في الخبر المروي عن النبي صلى الله عليه وآله على ما سمعت من بعض المشايخ غير المشيخة عن رسول الله صلى الله عليه وآله أنه قال: أنا أصغر من ربّي بستين...»^۱

پس از گذشت حدود ۳۵۰ سال از دوره‌ی قیصری، قاضی سعید قمی این عبارت را کلام پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم می‌داند نه کلام امیرالمؤمنین صلوات الله علیه، در عین حال بدون ذکر کتاب یا فرد مشخصی به عنوان سند، صرفاً بیان می‌کند که از بعضی مشایخ حدیث خویش شنیده که به همین جهت قابل بررسی و ارزیابی نیست.

۳. محمد بن عبدالله بحرانی (زنده در ۱۱۷۳ ق)^۲ - سوانح:

«... سوانح این رساله شامل مطالب ذیل است:

الف. سانحه: در توضیح آیه شریفه "مثل الذين ينفقون اموالهم ... والله واسع عليم"

ب. سانحه: در شرح حدیثی از اُمالی

ج. سانحه: در شرح یک حدیث نبوی صلی الله علیه و آله

د. سانحه: در شرح روایت «انا اصغر من ربی بستین»

ه. در شرح روایتی از توحید صدوق^۳

متأسفانه اصل کتاب سوانح به دست نیامد. طبق تحقیق، هیچ کدام از آثار این نویسنده

۱. شرح الاربعین، نوشته‌ی محمد سعید بن محمد مفید معروف به قاضی سعید قمی، نشر میراث مکتوب، مصحح نجفقلی حبیبی، چاپ اول، ۱۳۷۹ش، صفحه‌ی ۳۵۵.

۲. در نسخه‌ای خطی که کاتب آن محمد بن عبدالله بحرانی است سال کتابت ۹۶۴ ه.ق ثبت شده است.

۳. به نقل از کتاب مجموعه‌ی رسائل در شرح احادیثی از کافی نوشته‌ی مهدی سلیمانی آشتیانی (معاصر)، و محمد حسین درایتی (معاصر)، ناشر موسسه علمی فرهنگی دارالحدیث سازمان چاپ و نشر قم، سال نشر ۱۳۸۸، جلد ۱، صفحه‌ی ۱۶۵-۱۶۶. فراز مذکوررا در جمله‌ی تألیفات شخصی به نام محمد بن عبدالله بن علی بحرانی^۳ ذکر نموده، که او کتابی به نام سوانح دارد و در بخشی از آن به شرح این عبارت پرداخته است.



منتشر نشده است. با این حساب از این نقل هم سندی قابل استخراج نیست.

۴. ملّا مهدی نراقی (م ۱۲۰۹ق) - مشکلات العلوم:

«روی عن علی علیه السلام أنّه قال أنا أصغر من ربّي بسنتين...»^۱

او نیز عبارت مذکور را صرفاً با لفظ "رؤی" بدون اشاره به منبع و سند نقل خویش، منسوب به امیرمؤمنان صلوات الله علیه بیان کرده است.

۵. سیدحسین بن میرمحمد ابراهیم قزوینی (م ۱۲۰۹ق) - رسالة فی حلّ حدیث "أنا أصغر من ربّي بسنتين":

«رسائل فی حدیث من سهی فی السهو و لم یلتفت مع حلّ حدیث انا اصغر من ربّي بسنتين»^۲

«۴۸. رسالة فی حلّ حدیث "أنا أصغر من ربّي بسنتين(سّین)" از سیّد حسین بن میرابراهیم

قزوینی»^۳

«رسائل فی حل حدیث من سهی فی السهو و لم یلتفت مع حلّ حدیث "انا اصغر من ربّي

بسنين"»^۴

متأسفانه به اصل رساله مذکور دسترسی پیدا نشد.

۶. محمدعلی کرمانشاهی (م ۱۲۱۶ق) - مقام الفضل:

«از حضرت امیرالمومنین علیه السلام مشهور است که فرموده: "أنا اصغر من ربّي بسنتين"»^۵

۱. مشکلات العلوم، نوشته‌ی ملّا محمد مهدی بن ابی ذر فاضل نراقی معروف به محقق نراقی، نسخه خطی سازمان اسناد و کتابخانه ملی، صفحه‌ی ۲۰.

۲. به نقل از کتاب ریاض الجنّة، محمدحسن بن عبدالرسول فانی زنوزی (م ۱۲۱۸ق)، ناشر: کتابخانه‌ی عمومی آیت الله العظمی مرعشی نجفی(ره) سال نشر ۱۳۷۸، جلد ۲ صفحه‌ی ۴۲۵ (۵ جلدی): در بیان تألیفات میرحسین قزوینی.

۳. ریاض الجنّة ج ۲ ص ۴۲۵.

۴. به نقل از کتاب تاریخ حدیث شیعه در سده‌های دوازدهم و سیزدهم هجری، نویسنده: حسین صفره (معاصر)، ناشر موسسه علمی فرهنگی دارالحدیث سازمان چاپ و نشر قم سال نشر ۱۳۸۵، صفحه‌ی ۲۱۳، در شرح مکتوبات قرن سیزدهم.

۵. به نقل از کتاب فرهنگ اعلام علوم عقلی اسلامی، نویسنده: مرکز پژوهشی دایرة المعارف علوم عقلی اسلامی وابسته به موسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی، ناشر: موسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی، قم، سال نشر ۱۳۸۹ (۴ جلدی)، جلد دوم، صفحه ۵۳۸، در تألیفات حسین بن ابراهیم حسینی قزوینی.

۶. مقام الفضل، نوشته‌ی آقا محمدعلی بهبهانی (کرمانشاهی)، محقق: موسسه العلامة المجدد الوحید البهبهانی، ناشر همان موسسه در قم (۲ جلدی)، جلد اول، صفحات ۴۶۲ و ۴۶۳.

وی نیز هیچ سخنی از منبع و سند این عبارت جهت انتساب به مولای متقیان سلام الله علیه به میان نیاورده و با لفظ "مشهور است" به نقل آن پرداخته است.

۷. مجذوب علی شاه (م ۱۲۳۸ق) - شرح حدیث "أنا أصغر من ربّي بسنتين":

«چنین گوید بنده جانی محمدجعفر بن صفرخان همدانی که در بعضی از مجالس یکی از احبّا سوال نمود از این خاکسار معنی حدیثی را که مرویست از سید انبیاء علیه التّحیة و الثّناء که فرموده است انا اصغر من ربّي بسنتين...»^۱

وی عبارت را منسوب به رسول اکرم ﷺ می داند، اما هیچ منبعی برای این استناد بیان نمی کند، بعلاوه او از اقطاب صوفیه هم بوده است.

۸. سید عبدالله شبّر (م ۱۲۴۲ق) - مصابیح الأنوار:

«الحدیث ۱۷۱ ما روی عن أمير المؤمنين عليه السلام قال: أنا أصغر من ربّي بسنتين...»^۲

ایشان هم، با عبارت "ما رُوّی" این جمله را منسوب به امیرالمؤمنین صلوات الله علیه می سازد، در حالی که هیچ سندی برای این ادّعا بیان نمی کند.

۹. سید جعفر بن ابی اسحاق کشفی (م ۱۲۶۷ق) - تحفة الملوك:

«و حدیثی که مشهور است از جناب امیرالمؤمنین علیه السلام که فرموده است: "انا اصغر من ربّي بسنتين" ... هرچند که به این حدیث در جایی برنخوردم، لکن از آن جا که عدم وجدان دلالت بر عدم وجود ندارد، خصوصاً از من، و معنای آن هم به این طور که ذکر شد حق بود...»^۳

وی مدّعی است این عبارت بر طبق مشهور منسوب به مولای متقیان سلام الله علیه است، در عین حال نه تنها سندی ارائه نمی دهد بلکه معترف است، با وجود تحقیق، به این

۱. شرح حدیث انا اصغر من ربّي بسنتين نسخه خطی کتابخانه ملک.

۲. مصابیح الأنوار فی حلّ مشکلات الأخبار نوشته ی سید عبدالله بن سید محمدرضا شبّر حسینی نجفی کاظمی، در مجلد دوم، صفحه ی ۳۱۹.

۳. کتاب تحفة الملوك گفتارهایی درباره ی حکمت سیاسی (دارابی) نوشته ی سید جعفر کشفی فرزند ابی اسحاق، معروف به آیت الله کشفی دارابی بروجردی، ناشر: بوستان کتاب قم (انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم) سال نشر ۱۳۸۱، جلد اول، صفحه ی ۷۸ و ۷۹.

عبارت در منبعی برنخورده است. توجیه بعدی ایشان چندان پذیرفتنی نیست.

۱۰. سید کاظم بن قاسم حسینی رشتی مشتهر به سید کاظم رشتی (م ۱۲۵۹ق) - الصراط المستقیم:

«نعم يظهر من بعض الأعلام^۱ أنّ الترجيح في المقام إنّما هو بإعتبار الكمّية لا الكيفيّة فإنّ النّبیّ صلّی الله علیه و آله و سلّم له مقامان: مقام النّبوة و الولاية و هو جامع المرتبتین بخلاف الولی فإنّ له الولاية خاصة دون النّبوة، فالجامع بین الأفاضل و غیره أشرف من المتفرد بواحد و إن كان أفضل. فالنّبیّ باعتبار الجامعة أفضل من الولی. قال: "و إلى هذا المعنى يشير قول امیرالمومنین علیه السلام: "أنا أصغر من ربی بسنتين"^۲...»^۳

سخنی از سند این عبارت در این منبع نیز ذکر نشده است. او دومین مقتدای شیخیه می باشد.

۱۱. سید حسین بن رضا بروجردی (م ۱۲۷۷ق) - الصراط المستقیم:

«و أما ما ذكره في معنى خبر أنا أصغر من ربی بسنتين،... و أعلم أن هذا الخبر لم أظفر به في شيء من الأصول و كتب الأخبار، و لا شيء من مصنفات من تقدّم من علمائنا الأخيار، و لا بأس به بعد موافقة مؤداه لسائر الآثار»^۴

وی در تأیید سخنان افرادی هم چون سید کاظم رشتی، عبارت مذکور را به امیرمؤمنان صلوات الله علیه نسبت می دهد و در پاورقی به کتاب مشکلات العلوم نراقی ارجاع داده که پیش از این مورد بررسی قرار گرفت و سپس در فرازی دیگر اذعان می کند در هیچ منبع متقدّم و کتب متأخّر حدیثی چنین عبارتی را نیافته و نه حتّی در کتابی از کتب علمای برجسته شیعه. در عین حال به جهت ادعای هم سویی آن با سایر روایات به نقل این

۱. هو السيد كاظم بن قاسم الحسيني الجيلاني الرشتي.

۲. لم أظفر على مصدر له، قال التراقي في مشکلات العلوم: ص ۲۰: روى عن على عليه السلام أنّه قال: «أنا أصغر من ربی بسنتين» ثم احتمل له معنيين أولهما بعيدا جدا، و سأنقل كلامه إن شاء الله تعالى.

۳. به نقل از تفسیر الصراط المستقیم، نوشته ی حسین بن رضا بروجردی، شاگرد شبر و کشفی، ناشر انصاریان (۵ جلدی)، جلد ۳ صفحه ۱۴۵.

۴. همان، جلد ۳ صفحه ی ۱۴۷.

عبارت می‌پردازد.

۱۲. نجفقلی (نجفعلی) انجدانی (قرن ۱۳) - شرح احادیث مشکله:

«حدیث از حضرت امیر علیه السلام منقول ست که فرمودند انا أصغر من ربی بستین...»^۱
او نیز بدون ذکر سند، بیان می‌کند که این عبارت از حضرت امیر سلام الله علیه منقول است.

۱۳. عباس شریف دارابی (م ۱۳۰۰ق) - تحفة المراد:

«هم چنین هر متحرک را غایت و ما الیه باید و غایت نفس، عقل است و غایت عقل باری تعالی. پس نفس بدو مرتبه دون الواجب است کما قال علی علیه السلام: انا اصغر من ربی بستین...»^۲

وی نیز جمله مذکور را به حضرت مولا صلوات الله علیه نسبت داده اما هیچ منبعی برای این انتساب ذکر نکرده و در یک جمله به توضیح مفهوم آن پرداخته است.

۱۴. نظرعلی طالقانی (م ۱۳۰۶ق) - کاشف الأسرار:

«ظاهر آن است که مراد از این زمان‌ها که در اخبار ذکر می‌شود بعد مراتب و درجات است مثل (انا اصغر من ربی بستین)»^۳

به قرینه استفاده از لفظ "اخبار"، نویسنده مذکور این جمله را منسوب به معصومان علیهم السلام می‌داند، اما باز سندی ارائه نمی‌دهد جز این که در پاورقی همان کتاب، ارجاعی به کتاب منتهی الآمال داده شده که در عین شگفتی در آن منبع نیز چنین چیزی یافت نشد.

۱۵. سید ابوالقاسم دهکردی (م ۱۳۵۳ق) - منبر الوسيله:

۱. نسخه‌ی خطی کتابخانه‌ی مجلس.

۲. تحفة المراد، شرح قصیده‌ی میرفندرسکی، به ضمیمه شرح خلخال و گیلانی، نویسنده ملا عباس شریف دارابی شیرازی شاگرد ملا هادی سبزواری، ناشر: الزهرا (س)، سال نشر ۱۳۷۲، صفحه‌ی ۱۵۵، ذیل عبارت "تمثیل جمیل".

۳. محدث قمی، منتهی الآمال، باب سیم تاریخ امیرالمومنین، فصل ششم ذکر اولاد حضرت امیرالمومنین، ص ۳۱۸ (مطلب مذکور در این منبع یافت نشد).

۴. کاشف الأسرار، نوشته‌ی ملا نظرعلی طالقانی، فرزند سلطان محمد، ناشر رسا، سال نشر ۱۳۷۳ (۲ جلدی)، جلد ۲، صفحه‌ی ۴۰۵.

«و تعدّد قدما، بالضرّوره باطل است و فساد عقیده نصاری به "اقانیم ثلاثه" که قدیم باشند، ظاهر است. پس ممکن است که معنی حدیث معروف "أنا اصغر من ربی بستین" همین باشد؛...»^۲

وی با ذکر عبارت "حدیث معروف" بدون مشخص کردن انتساب آن به معصوم خاصّ و ذکر سند به شرح معنای آن پرداخته است. ضمناً در پاورقی همان کتاب ذکر شده که این عبارت در جوامع روایی یافت نشد.

۱۶. محمدحسین کاشف الغطاء (م ۱۳۷۳ق) - الفردوس الأعلى / جنة المأوی:

«و هو المثل الأعلى الحاکی بنوع من الحکایة عن تلك الذّات المقدّسة المحتجبة بسرادق العظمة و الجبروت و غیب الغیوب. یا من لا یعلم ما هو الا هو. و ذلك العقل الکلیّ أو الصّادر الأوّل - ما شئت فعبر- أو الحقيقة المحمّديّة متّصلة بمبدئها غیر منفصلة عنه. لا فرق بینک و بینها إلا أنّهم عبادک و خلقتک؛ بدوھا منک و عودھا إلیک "أنا أصغر من ربی بستین"»^۳

«و هو المثل الأعلى الحاکی بنوع من الحکایة عن تلك الذّات المقدّسة المحتجبة بسرادق العظمة و الجبروت و غیب الغیوب. یا من لا یعلم ما هو الا هو. و ذلك العقل الکلیّ أو الصّادر الأوّل - ما شئت فعبر- أو الحقيقة المحمّديّة متّصلة بمبدئها غیر منفصلة عنه. لا فرق بینک و بینها إلا أنّهم عبادک و خلقتک؛ بدوھا منک و عودھا إلیک "أنا أصغر من ربی بستین"»^۴

در کمال تعجّب، عبارت موجود در هر دو کتاب کاملاً یکسان و جمله مورد نظر بدون منبع به عنوان مؤید بحث ذکر شده است.

۱۷. شیخ علی نمازی شاهرودی (م ۱۴۰۵ق) - مستدرک سفینه البحار:

«و تقدّم فی "رب" قوله: انا اصغر من ربی بستین»^۵

۱. در جوامع روایی دیده نشد.

۲. منبر الوسیله، مباحث اعتقادی به روش فلسفی و عرفانی، نوشته‌ی سیّد ابوالقاسم حسینی دهرودی اصفهانی، ناشر دفتر تبلیغات اسلامی حوزه‌ی علمیه قم مرکز انتشارات قم سال نشر ۱۳۷۹، صفحه‌ی ۱۱۱، الباب الأوّل فی معرفة الله و توحیده.

۳. الفردوس الأعلى، نوشته‌ی محمدحسین بن علی بن جعفر کاشف الغطاء، ناشر دار انوارالهدی قم، صفحه ۲۵۶.

۴. جنة المأوی، نوشته‌ی محمدحسین کاشف الغطاء، ناشر دلیل ما، سال نشر: ۱۴۲۹ ق، جلد ۱، صفحه‌ی ۳۱۸.

۵. مستدرک سفینه البحار، نویسنده شیخ علی نمازی شاهرودی، ناشر: موسسه النشر الاسلامی التابعة لجماعة المدرسين بقم المقدسة، جلد ۶، صفحه‌ی ۲۸۵.

این در حالی است که در ذیل ریشه "رب" در مجلد چهارم صفحات ۴۴ تا ۴۸، اصلاً به این عبارت اشاره نشده است. پس از بررسی معلوم شد که این عبارت در چاپ اول این کتاب که در سال ۱۳۳۶ شمسی در مشهد منتشر شده وجود داشته اما در تجدید چاپ‌ها افتاده است. در آن نسخه ایشان در پاورقی از کتاب مشکلات العلوم نراقی نقل نموده‌اند:

«قال العلامة النراقی قدہ فی مشکلات العلوم ص ۲۰ روی عن علی علیه السلام انه قال انا اصغر من ربی بستین ...»^۱

۱۸. سید محمدحسین حسینی طهرانی (م ۱۴۱۹ق) - معرفة الله:

«و هو المثل الأعلى الحاکی بنوع من الحکاۃ عن تلك الذات المقدسة المحتجة بسرداق العظمة و الجبروت و غیب الغیوب. یا من لا یعلم ما هو الا هو. و ذلك العقل الکلی أو الصادر الأول - ما شئت فعیر- أو الحقیقة المحمدية متصلة بمبدئها غیر منفصلة عنه. لا فرق بینک و بینها إلا أنهم عبادک و خلقت؛ بدوها منک و عودها إلیک. أنا اصغر من ربی بستین...»^۲

اولاً متنی که او در کتاب خویش آورده عیناً متن مذکور از کتب مرحوم کاشف الغطاء می‌باشد، بدون آن‌که به منبع متن اشاره کند. ضمناً در پاورقی به کتاب سید حیدر آملی ارجاع داده شده که با مراجعه به اصل متن آشکار می‌گردد، جناب سید این کلام را به اهل تصوف منتسب دانسته است.^۳

۱۹. سید جلال الدین آشتیانی (م ۱۴۲۵ق) - شرح مقدمه قیصری بر فصوص الحکم:

«قد اشتهر انه قال رسول الله: "انا اصغر من ربی بستین..."»^۴

۱. مستدرک سفینه البحار، نوشته‌ی شیخ علی نمازی شاهرودی، ذیل ریشه‌ی "رب"، چاپ اداره‌ی نشر خراسان سال ۱۳۳۶ ش.

۲. معرفة الله، نوشته‌ی محمدحسین حسینی طهرانی، محقق احمد صقر، ناشر دار المحجة البيضاء بیروت (۳ جلدی)، جلد ۳، صفحه ۱۸۰.

۳. و قد ذکرها السيد حیدر آملی فی مقدمات کتاب «نصّ النصوص» ص ۱۰: بالشکل التالی: کقولهم: أنا اقلّ من ربی بستین، و قولهم: لیس بینی و بین ربی فرق إلاّ أنّی تقدّمت بالعبودية.

۴. ... و ثالثهم الخرقانی الذی قال: "أنا اقلّ من ربی بستین" - و قول غیره "انا اقل من ربی بستین" - و من هذا قال العارف "أنا اقلّ من ربی بستین".

۵. شرح مقدمه قیصری بر فصوص الحکم، نوشته‌ی سید جلال الدین آشتیانی، انتشارات امیرکبیر، سال نشر ۱۳۷۰، صفحه‌ی ۷۴۲.

او از معدود افرادی است که مانند قاضی سعید قمی، این جمله را کلام رسول اکرم ﷺ می‌داند، اما فقط برای نقل، به بیان مشهور بودن این انتساب اکتفا کرده و سندی ذکر نمی‌کند.

۲۰. محمدباقر بهبودی (م ۱۴۳۵ق) در پاورقی بحارالأنوار، جمله بحار را آورده است: «... أن جمهور الروایات جاءت بأنه عليه السلام قبض و له خمس و ستون سنة و جاء فی بعضها أن سنه كانت عند وفاته ثلاثا و ستین سنة» آنگاه ذیل آن می‌نویسد: «أقول: و الحق أنه قبض عليه السلام بعد ما دخل فی السنة الرابعة و الستین كما ان النبی صلوات الله عليه قبض و قد دخل فی السنة السادسة و الستین و لذلك يقول عن نفسه عليه السلام «أنا أصغر من ربی بستین»...»^۱

این جمله نه در متن اصلی علّامه مجلسی بلکه در پاورقی آقای محمد باقر بهبودی بدون سند ذکر شده است. در نتیجه از انصاف علمی به دور است که جمله مذکور، بدون تذکر به وجود عبارت در حاشیه و نه خود متن، از کتاب شریف بحارالأنوار سند داده شود که این کار افترای به مرحوم مجلسی است و عملی خارج از قواعد علمی. (صرف نظر از اصل افترای در انتساب به حضرت مولانا امیرالمؤمنین صلوات الله علیه)

۲۱. سید مرتضی مستنبط غروی (معاصر) - مواهب الرحمن: «... اشارة عليه السلام بقوله انا اصغر من ربی بستین»^۲

او نیز در تأیید سخنان خویش بدون ذکر منبع، این عبارت را به امیرالمؤمنین سلام الله علیه منتسب نموده است.

۲۲. سید محمدصادق روحانی (معاصر) - اجوبة المسائل:

«۵۶۰- فی الحديث: "أنا أصغر من ربی بستین"، فالمرجو منكم شرح معنى هذا الحديث العظيم بنحو

۱. کتاب شریف بحارالأنوار در مجلد ۳۸ صفحه ۲۷۸ طبع بیروت باب ۶۵ - أنه صلوات الله عليه سبق الناس فی الاسلام و الايمان ...

۲. و يمكن ان يراد من ستین الالهية و النبوة فهو ع- فی الامامة فقط منه.

۳. مواهب الرحمن فی تفسیر القرآن (مستنبط)، نوشته‌ی مرتضی بن سید رضی موسوی مستنبط، ناشر: شرکت سهامی چاپ کتاب آذربایجان، جلد ۳۰ صفحه ۳۱۰.

يفرح قلوب الأولياء؟ بإسمه جَلَّتْ أَسْمَاؤُهُ: الحديث المذكور وارِدٌ عن أمير المؤمنين (عليه السلام)»^۱

ایشان اگرچه تصریح کرده که این عبارت از وجود مقدس امیرمؤمنان سلام الله علیه صادر گشته، اما هیچ اشاره‌ای به سند ادعای خویش نمی‌کند.

۲۳. سید هاشم رسولی محلاتی (معاصر) - درس‌هایی از تاریخ تحلیلی اسلام:

«... یا روایت "أنا أصغر من ربّي بسنتين" که از امیرالمؤمنین (عليه السلام) روایت شده ...»^۲

او نیز به سبک سایرین، بدون ذکر منبع، به این عبارت اشاره کرده و آن را به حضرت مولا منتسب می‌سازد.

۲۴. رواء جمال العلی (معاصر) - پاورقی الأصفیر:

«إلى أن قال: و لا فرق بين هذا الإسم و بين مسمّاه إلّا أنّه عبده و هو ربّه (أنا أصغر من ربّي بستين)»^۳

اولاً این کتاب از جمله مصادر فرقه نصیریّه است. در عین حال محقق آن بدون هیچ منبعی عبارت را ذکر کرده و از قرائن به نظر می‌رسد جمله را منسوب به پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) دانسته است.

۲۵. سید علی میلانی (معاصر) - سایت ایشان:

پس از مراجعه و بررسی مطلب مورد نظر در سایت ایشان مشخص شد، اولاً منبعی از طرف ایشان مطرح نگردیده بلکه خود سؤال کننده و مستفتی این گونه پرسیده و سند از طرف او بیان شده است. ثانیاً جناب آقای میلانی نسبت به سندیت و مآثور بودن این عبارت سکوت کرده و فقط معنای عبارت را طوری تفسیر نموده‌اند که معنای کلمه "ستین" را در این عبارت "مرتبتین" می‌دانند. متن سوال و جواب عیناً این گونه است:

۱. کتاب أجوبة المسائل فی الفكر و العقيدة و التّاريخ و الأخلاق، نوشته‌ی محمدصادق روحانی ناشر دار زین العابدین (عليه السلام) قم سال نشر ۱۴۳۱ (۲ جلدی)، جلد اول صفحه‌ی ۲۸۱ و ۲۸۲.

۲. کتاب درس‌هایی از تاریخ تحلیلی اسلام، ناشر پاسدار اسلام قم سال نشر ۱۳۷۱ (۴ جلدی)، نوشته‌ی هاشم رسولی محلاتی، جلد ۲ صفحه‌ی ۳۰۰.

۳. الأصفیر، محمد بن شعبة الحرّانی (قرن ۴ ق)، باب دوم، صفحه ۲۱۰، در پاورقی، محقق رواء جمال علی، سال نشر ۲۰۱۶ میلادی.

«سند این حدیث چگونه است: قال علی بن ابیطالب: انا اصغر من الله سنتین (بحارالانوار، بیروت، مؤسسه الوفاء، سال ۱۴۰۴ هـ ق، ج ۳۸، ص: ۲۷۸) آیا می‌توان یکسره این حدیث را رد کرد؟ و یا باید به وجه احسن تاویل نمود؟

پاسخ آیت الله سید علی حسینی میلانی مدظله: بسمه تعالی السلام علیکم مراد سنتین مرتبتین است، بعد از خدا نبی و بعد از نبی امام است»^۱

در پرسش سؤال کننده به این مهم اشاره شده که آیا می‌توان به کلی این عبارت را رد نمود یا باید آن را به صورت به ظاهر درستی توجیه کرد، و جناب آقای میلانی، تلویحاً به معنای صحیحی که در نظر ایشان قابل برداشت از آن عبارت است اشاره کرده‌اند، اما در پاسخ خویش، نکته‌ای در مورد سند مورد ادعای فرد پرسش‌گر ندارد و به عدم وجود این عبارت در متن کتاب شریف بحار و تعلق آن به حاشیه کتاب، اشاره‌ای ننموده‌اند. ضمناً خود ایشان هم سند دیگری برای تأیید اعتبار این عبارت ذکر نکرده‌اند.

جمع‌بندی بررسی اسانید:

۱. طبق بررسی‌های تاریخی، اولین بار این جمله در قرن هشتم هجری قمری، به وجود مطهر امیرالمؤمنین صلوات الله علیه نسبت داده شده است.

۲. در هیچ‌کدام از این نقل‌ها از قرن هشتم تا به امروز، نویسندگان، سندی برای ادعای انتساب کلام مذکور اقامه ننموده‌اند؛ به‌طوری که یا مستقیماً ذکر کرده که ایشان فرموده‌اند یا صرفاً با عبارت‌های "مشهور است"، "مرویست"، "منقول است"، "روایت شده"، "حدیث معروف" به نقل آن پرداخته‌اند.

۳. در برخی موارد، این جمله را به وجود مقدس رسول اکرم ﷺ نسبت داده‌اند؛ پس در گوینده‌ی این کلام هم تردید وجود دارد.

۴. قاطبه افراد مذکور، جزو عرفا و صوفیه مشهور طول تاریخ هستند و مابقی هم - جز اشخاص شاذ و نادر- گرایش‌های عرفانی داشته‌اند. (دو مورد نیز به فرق ضالّه شیخیه و

۱. آدرس سایت: www.al-milani.com - پاسخ شماره‌ی ۸۱۹۰.

نُصیریه منتسب بودند.)

۵. در آثار صاحبان اثر و متفکران مربوط به فرق موصوف در مورد قبل، موارد بسیاری از غلو و افراط به چشم می‌خورد.

در نهایت، مجموع بررسی‌های سندی نشان داد که هیچ دلیل و مدرک علمی و روشنی برای انتساب این جمله به ساحت معصومین صلوات الله علیهم اجمعین وجود ندارد و لذا باید از پرداختن به این گونه اقوال حداقل به جهت پرهیز از افترا و دروغ بستن به حجج الهی علیهم‌السلام، به شدت دوری گزید. شایان ذکر است بررسی محتوایی و درایی این عبارت به منظور تبیین فساد اعتقادی مطلب فارغ از فقد سند و هم‌چنین واکاوی اسناد مبتنی بر اصل صدور این جمله از زبان خود اقطاب صوفیه و عرفا، نیازمند مجال دیگری است که ان‌شاء الله به بررسی آن خواهیم پرداخت.

منابع

۱. ابن بابویه (شیخ صدوق)، محمد بن علی، عیون أخبار الرضا علیه‌السلام، تهران، نشر جهان، ۱۳۷۸ ق.
۲. انجدانی، نجف علی، نسخه خطی موزه مجلس، دارالخلافة طهران در مدرسه ام السلطان، ۱۲۴۵ ق.
۳. آشتیانی، سید جلال الدین، شرح مقدمه قیصری بر فصوص الحکم، تهران، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۷۰ ش.
۴. آملی، سید حیدر بن علی، المقدمات من کتاب نص النصوص، تهران، توس، ۱۳۶۷ ش.
۵. بروجردی، حسین بن رضا، تفسیر الصراط المستقیم، قم، موسسه انصاریان، ۱۴۱۶ ق.
۶. بهبهانی (کرمانشاهی)، آقا محمدعلی، مقام الفضل، قم، موسسه العلامة المجدد الوحید البهبهانی، ۱۴۲۱ ق.
۷. حرّانی، محمد بن شعبه، رسالة الأصفیر، ۲۰۱۶ م.
۸. حسینی طهرانی، محمدحسین، معرفة الله، بیروت، دار المحجة البيضاء، بی‌تا.
۹. دارابی شیرازی، ملّا عباس شریف، تحفه المراد، الزّهر (س)، ۱۳۷۲ ش.
۱۰. دهکردی اصفهانی، سید ابوالقاسم حسینی، منبر الوسيلة مباحث اعتقادی به روش فلسفی و عرفانی، قم، دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، ۱۳۷۹ ش.
۱۱. رسولی محلاتی، هاشم، درس‌هایی از تاریخ تحلیلی اسلام، قم، پاسدار اسلام، ۱۳۷۱ ش.
۱۲. روحانی، سید محمدصادق، کتاب أحوبة المسائل فی الفكر و العقيدة و التاريخ و الأخلاق، قم، دار زین العابدین علیه‌السلام، ۱۴۳۱ ق.
۱۳. سلیمانی آشتیانی، مهدی، مجموعه رسائل در شرح احادیثی از کافی، قم، موسسه علمی فرهنگی دار الحدیث سازمان چاپ و نشر، ۱۳۸۸ ش.
۱۴. شُبّر، سید عبدالله بن سید محمد رضا، مصابیح الأنوار فی حلّ مشکلات الأخبار، قم، بصیرتی، ۱۳۷۱ ش.

۱۵. صفره، حسين، تاريخ حديث شيعه در سده‌های دوازدهم و سیزدهم هجری، قم، موسسه علمی فرهنگی دارالحديث سازمان چاپ و نشر، ۱۳۸۵ش.
۱۶. طالقانی، ملانظر علی بن سلطان‌محمد، کاشف الأسرار، تهران، رسا، ۱۳۷۳ش.
۱۷. فانی زنوزی، محمدحسن بن عبدالرّسول، رياض الجنة، قم، کتابخانه عمومی آيت الله العظمی مرعشی نجفی(ره)، ۱۳۷۸ش.
۱۸. قیصری، شرف‌الدين داود بن محمود ساوی، رسائل قیصری نحایة البیان فی درایة الزمان، تهران، مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران، ۱۳۸۱ش.
۱۹. قاضی سعید قمی، محمد سعید بن محمد مفید، شرح الاربعین، تهران، میراث مکتوب، ۱۳۷۹ش.
۲۰. کاشف الغطاء، محمدحسین بن علی بن جعفر، الفردوس الأعلى، قم، دار انوارالهدی، ۱۴۲۶ق.
۲۱. کاشف الغطاء، محمدحسین بن علی بن جعفر، جنة المأوی، قم، دلیل ما، ۱۴۲۹ق.
۲۲. کشفی دارابی بروجردی، سید جعفر بن ابی اسحاق، تحفه الملوك گفتارهایی درباره حکمت سیاسی، قم، بوستان کتاب، ۱۳۸۱ش.
۲۳. مجذوب علیشاه قراگزلو، محمدجعفر همدانی، شرح حديث انا اصغر من ربی بستین قاجاریه، نسخه خطی کتابخانه و موزه ملی ملک، ۱۲۶۳ق.
۲۴. مجلسی، محمد باقر، بحارالانوار، بیروت، دار إحياء التراث العربی، ۱۴۰۳ق.
۲۵. محقق نراقی، محمدمهدي بن ابی ذر فاضل نراقی، مشکلات العلوم، نسخه خطی سازمان اسناد و کتابخانه ملی.
۲۶. مرکز پژوهشی دایره المعارف علوم عقلی اسلامی وابسته به موسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی، مرکز پژوهشی دایره المعارف علوم عقلی اسلامی وابسته به موسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی، قم، موسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی، ۱۳۸۹ش.
۲۷. مستنبط، مرتضی بن سید رضی، مواهب الرحمن فی تفسیر القرآن، شرکت سهامی چاپ کتاب آذربایجان، ۱۳۸۱ق.
۲۸. نمازی شاهرودی، شیخ علی، مستدرک سفینه البحار، قم، موسسه النشر الاسلامی التابعة لجماعة المدرسين، ۱۳۸۵ش.
۲۹. نمازی شاهرودی، شیخ علی، مستدرک سفینه البحار، مشهد، چاپ اداره نشر خراسان، ۱۳۳۶ش.